



#### بدرقه رهبر جهاد

مرحوم دکتر «رمضان عبدالله شلح» در مراسم تشییع شهید فتحی شقاقی. رمضان عبدالله، پس از باختر شدن از به شهادت رسیدن دوست و هم‌رزم دیرینه‌اش، به رسانه‌ها گفت که صهیونیست‌ها بهای این جنایت را خواهند پرداخت؛ با حذف «اسحاق رابین» توسط یهودی‌های تندرو، بخشی از آن محقق شد.

#### بازگشت به میدان

پس از شهادت دکتر فتحی شقاقی، جانشین او یعنی رمضان عبدالله شلح، وارد میدان شد. صهیونیست‌ها با وجود توان امنیتی که ادعا می‌کردند، هیچ‌گونه درک عمیقی از شخصیت رمضان عبدالله نداشتند. از همین رو اعضای جنبش جهاد اسلامی، با طرح‌ریزی یک حرکت اطلاعاتی و اشراف میدانی، ترتیب سفری به سوریه را دادند و پس از اطمینان از سلامت، او را به‌عنوان دبیرکل جدید جنبش جهاد اسلامی فلسطین معرفی کردند. تعداد کسانی که می‌دانستند رمضان عبدالله دوران دانشجویی خود را در مصر (اواخر دهه ۱۹۷۰) و همراه با فتحی شقاقی سپری کرده است، زیاد نبود؛ اما درباره اینکه او سال‌ها از فلسطین دور بوده و در غرب زندگی کرده است، زمزمه‌ها بسیار بود و برخی فکر می‌کردند که این مسئله موجب افول سازمان جهاد اسلامی شود. همین مسئله باعث شد اسحاق رابین با این پس‌زمینه ذهنی که رمضان عبدالله، جوانی از فرنگ برگشته است، از او غافل بماند؛ البته که عمر این خون‌خوار صهیونیست بیشتر از ۱۰ روز کفاف نداد تا دوران رهبری شلح را ببیند و بعد بمیرد زیرا خودش به دست «ایکال عمیر»، از جوانان اشغالگر به هلاکت رسید.

#### چالش‌هایی که حل شدند

دکتر رمضان با تصدی رهبری نهضت با چالش‌های بزرگی مواجه شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از نظم‌بخشیدن به خانه داخلی، حفظ وحدت ملی و پرکردن خلأ بزرگی که با شهادت شقاقی رخ داد؛ اما چالش اصلی سیاسی بود، اینکه او رهبری را در مرحله خطرناکی در وضعیت فلسطین به عهده گرفت. زیرا توافق اسلو در حال گسترش و ریشه‌یابی بود و حل‌وفصل مسائل حکومت خودگردان فلسطین در مقابله با پروژه مقاومت سخت‌تر می‌شد و صحنه دشوارتر و پیچیده‌تر شده بود. دکتر رمضان توانست امتحان خود را پس دهد و روابط داخلی فلسطین و روابط حسنه را با همه نیروها حفظ کند و با وجود همه فشارها، وارد درگیری با مرجعیت نشود. سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ میلادی، سال‌های نسبتاً آرامی بودند؛ بنابراین او بر ساخت و توسعه داخلی تمرکز کرد؛ روی تجدید ساختار سازمانی و نهادی جنبش و افزایش

فعالیت‌های فرهنگی و خیریه تا بتواند نسل جدیدی تربیت کند که بتواند مقاومت را مطابق با چشم‌انداز جنبش و پروژه جهادی آن که بسیج ملت بر اساس محوریت مسئله فلسطین است، از سر بگیرد؛ چراکه جنبش بر این باور است که فلسطین به‌عنوان هدف، مهم‌ترین نقطه اتکا در مقابل پروژه صهیونیستی است که سرنیزه پروژه غرب برای کنترل جهان اسلام و توانمندی‌های آن است. وی در این مدت به تقویت ساختار درونی نهضت بر اساس توانایی‌های شخصی‌اش و برخورداری از احترام و قدردانی در بین هم‌زمانانش کوشید و با نظارت وی، جهاد در کرانه باختری و ائتلاف‌ها به‌ویژه با حزب الله لبنان و دبیرکل آن حجت‌الاسلام سید حسن نصرالله، گسترش یافت.

#### قیام دلیرمردان گردان‌های القدس

قیامی که در پایان سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی کلید خورد، میدان آزمایشی برای گسترش، انسجام و آمادگی نظامی جهاد اسلامی بود. با وقوع انتفاضه «الاقصی»، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی با نام جدید «سرایا القدس» که نام آن را رمضان عبدالله، شخصاً به‌دلیل محوریت قدس در درگیری انتخاب کرد، دوباره فعال شد. این گردان‌ها عملیات‌های کماندویی بزرگی را انجام دادند که از جمله آن می‌توان به عملیات «مجدو» اشاره کرد که در ژوئن ۲۰۰۲ که در آن ۱۷ نظامی اشغالگر کشته شدند و عملیات «کرکور» در اکتبر ۲۰۰۲ که در آن ۱۴ سرباز ارتش رژیم اشغالگر کشته شدند و یا عملیات «هبرون» در اواسط نوامبر سال ۲۰۰۲ که منجر به کشته شدن ۱۲ نظامی از جمله «درور وادنبرگ» فرمانده اشغالگر الخلیل و نیز عملیات دریای غزه که طی آن یک قایق نیروی دریایی ارتش اشغالگر در بیست و دوم همان ماه هدف قرار گرفت.

یارانش می‌گویند رمضان عبدالله شلح، هنگام شنیدن خبر پیروزی در عملیات‌ها «خدا را آن‌گونه سجده می‌کرد که پیامبران وقتی به نبوت می‌رسیدند او را سجده می‌کردند». عطش دکتر شلح برای انتقام‌کشی از اشغالگران،



دکتر رمضان با تصدی رهبری نهضت با چالش‌های بزرگی مواجه شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از نظم‌بخشیدن به خانه داخلی، حفظ وحدت ملی و پرکردن خلأ بزرگی که با شهادت شقاقی رخ داد؛ اما چالش اصلی سیاسی بود، اینکه او رهبری را در مرحله خطرناکی در وضعیت فلسطین به عهده گرفت



یکی از اعضای جنبش جهاد اسلامی  
عکس از شبکه‌های اجتماعی